



عبدالکریم پاک نیا تبریزی

فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَّقَهُ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ
فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ؛^۱ دین را یاد بگیرد [و
بفهمید]، زیرا هر یک از شما که
احکام دینش را نیاموزد همانند اعراب
دوران جاهلیت، [فردی جاهل و دور
از فرهنگ] خواهد بود.

امام علیه السلام در روایت دیگری - که
مفضل بن عمر کوفی آن را نقل کرده
است - آثار زیانبار بی توجهی به

ضرورت آموزش احکام
آموزش احکام اسلامی بر هر
مسلمانی لازم است؛ چرا که دینداری
صحیح، به یادگیری احکام و مسائل
آن وابسته است و بدون دانستن
دستورهای الهی، انسان، تکلیف خود
را نخواهد دانست و شخص جاهل
هم راه به جایی نمی برد؛ بنا بر این
یکی از مهم ترین وظایف هر مسلمان
یاد سپاری احکام دین است که برای
همه لازم و ضروری است. در این
باره علی بن ابی حمزه از امام
صادق علیه السلام شنید که می فرمود: «تَقَهُوا

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب
الاسلامیة، ج ۱، ص ۳۱، باب فرض العلم و
وجوب طلبه.

احکام و مسائل دینی را یاد آور می‌شود و می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَّقْهُ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُزَكِّ لَهُ عَمَلًا»^۱ هر کس احکام و معارف دین خدا را نفهمد [تا به آن به درستی عمل کند و در حقیقت یک مسلمان صوری باشد]، خداوند در روز قیامت به او توجهی نخواهد کرد و اعمالش را پاکیزه و شایسته پذیرش نداند.

از منظر امام موسی بن جعفر علیه السلام بی‌توجهی به آموزش احکام و دقت نکردن در آن، باعث محرومیت از منافع بی‌شماری می‌شود که هر انسان مسلمان برای نیل به آنها لحظه‌شماری می‌کند. آن گرامی در این زمینه فرمود: «تَقَفُّهُوَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ فَضْلُ الْقَائِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ

الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَ مَنْ لَمْ يَتَّقْهُ فِي دِينِهِ لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»^۲ در دین خدا تفقه کنید که فقه [و شناخت احکام و معارف]، کلید بینایی است و کمال عبادت و وسیله نیل به مقامات بلند و رتبه‌های عالی دین و دنیا است. و امتیاز شخص آگاه [به احکام] بر عابد، چون امتیاز خورشید بر ستارگان است. و هر که در دینش تفقه نکند [و آن را نفهمد]، خدا هیچ عملی را از او نخواهد پسندید.

حتی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، موضوع آموزش احکام و مسائل دینی را به جوانان آن‌قدر مهم و ضروری می‌دانند که در صورت بی‌توجهی جوانان شیعه به این‌گونه معارف، آنان را مستحق تأدیب و مجازات دانسته و در این باره این چنین هشدار داده‌اند: «لَوْ أُتِيَتْ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَّقُهُ لَأَدَّبْتُهُ؛ اِذَا كَانَ يَتَّقُهُ لَمْ يَدَّبُّهُ»^۳ اگر یکی

۱. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفا، ج ۱، ص ۲۱۲، باب العلوم التي أمر الناس بتحصيلها.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۷، باب احتجاجات موسی بن جعفر علیه السلام.

یعنی با وسواس و افراط در وضو، عمل خود را باطل می‌کند.

لباس نماز گزار

محمد بن عبدالجبار در موضوع لباس نماز گزار از محضر حضرت چنین پرسید: «آیا جایز است نماز خواندن در کلاهی که پشم حیوان حرام گوشت بر آن است یا تکه‌ای ابریشم و یا قطعه‌ای از پشم خرگوش در آن است؟»

امام علیه السلام فرمود: «لَا تَحِلُّ الصَّلَاةُ فِي الْخَرِيرِ الْمَخْضِ وَإِنْ كَانَ الْوَتْرُ ذَكِيًّا حَلَّتِ الصَّلَاةُ فِيهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛^۳

نماز خواندن [نماز گزار مرد] در لباس تهیه شده از ابریشم خالص جایز نیست؛ اما اگر [لباس نماز گزار] از پشم حیوان تذکیه شده (ذبح شرعی شده) [تهیه شده] باشد، نماز در آن صحیح است، به خواست خداوند.»

۳. تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۰۷، باب ما یجوز الصلاة فيه من اللباس.

از جوانان شیعه را نزد می‌آورند که [وظیفه خود را در] شناخت احکام [معارف دین] انجام نمی‌دهد، او را تأدیب می‌کنم.^۱

حال با توجه به ضرورت آموزش احکام دینی، در آستانه ولادت امام حسن عسکری علیه السلام به محضر آن گرامی شرفیاب می‌شویم و برخی از پاسخهای فقهی آن بزرگوار را در باب احکام مبتلا به جامعه، از زبان حضرتش می‌شنویم.

خطر وسواس

چنانچه از امام عسکری علیه السلام در مورد افراط در وضو گرفتن و مصرف بی‌رویه آب سؤال کنیم، ایشان در جواب فرموده است: «مَنْ تَعَدَّى فِي طَهْوَرِهِ كَأَنَّ قَضِيهٖ؛^۲ هر کس از وضوی خود تعدی کند (زیاده از مقرر بشوید، یا آب بریزد)، همانند نقض کننده و باطل کننده آن است.»

۱. همان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسین، ص ۴۸۹.

شدند و من خیلی ناراحت و پریشان احوال شدم. در این وضعیت به محضر امام حسن عسکری علیه السلام پناه بردم و مشکلاتم را عرضه داشتم. امام علیه السلام به من فرمود: «اجْمَع بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ تَرَى مَا تُحِبُّ!»^۱ نماز ظهر و عصر را بدون فاصله و پشت سر هم بخوان، آنچه را دوست داری می بینی [و به خواسته ات می رسی].»

فلسفه روزه

حمزة بن محمد از امام علیه السلام در باره فلسفه روزه سؤال کرد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «لِيَجِدَ الْفَقِيرُ مَضَضَ الْجُوعِ فَيَحِينُ عَلَى الْفَقِيرِ!»^۲ [یکی از حکمت های روزه این است که] ثروتمند، سختی و مشقت گرسنگی را احساس کند و به

از منظر امام موسی بن جعفر علیه السلام بی توجهی به آموزش احکام و دقت نکردن در آن، باعث محرومیت از منافع بی شماری می شود که هر انسان مسلمان برای نیل به آنها لحظه شماری می کند

برکات جمع بین الصلاتین

در حالی که مخالفان شیعه در موضوع جمع بین الصلاتین به ما ایراد می گیرند که این خلاف سنت است، امام عسکری علیه السلام برای حل مشکل عباس ناقد، وی را به جمع بین الصلاتین راهنمایی می کند. او می گوید: تمام اموال بر اثر حادثه ای از دستم رفت و تمام دوستان، همکاران و آشنایان از اطرافم پراکنده

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۸۷، باب الجمع بین الصلاتین.

۲. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۰، ص ۸.

فرد نیازمند بیش‌تر عطوفت و مهربانی داشته باشد.»

پرداخت زکات

علی بن بلال، از یاران نزدیک امام عسکری علیه السلام، در موضوع مصرف زکات، نامه‌ای به امام علیه السلام نوشت و از محضر حضرت سؤال کرد که آیا می‌توانم زکات و صدقه مالم را به نیازمندان از غیر اصحاب خودم (غیر شیعیان) پرداخت کنم.

امام علیه السلام در پاسخ نوشت: «لَا تُفْطِرِ الصَّدَقَةَ وَ الزَّكَاةَ إِلَّا لِأَصْحَابِكَ؛ [علی بن بلال] صدقه و زکات خود را به غیر از اصحاب [شیعه] خودت نپرداز.»

حج و وصیت

ابراهیم بن مهزیار به امام ابو محمد عسکری علیه السلام نامه‌ای نوشت: «به

محضر امام اعلام می‌دارم که یار با وفای شما، جناب علی بن مهزیار وصیت کرده است که از در آمد مزرعه‌ای که یک چهارم آن را برای شما قرار داده است، سالی یک حج تمتع در برابر بیست دینار به‌جا آورند، و از زمان قطع راه بصره، مخارج سفر دو برابر شده است، و مردم به بیست دینار اکتفا نمی‌کنند و همچنین دو حج برای عده‌ای از موالی شما وصیت کرده است.» امام علیه السلام در جواب نوشت: «يُفْعَلُ ثَلَاثُ حِجَجٍ حَجَّتَيْنِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛^۱ ان شاء الله تعالی به جای سه حج دو حج قرار می‌دهند.»

حکم تقیه

روزی یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در مجلس آن حضرت به آن گرامی عرضه داشت که یکی از برادران شیعه، نزد من آمد و از من

۱. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۵۳. از آنجا که علی بن بلال از یاران امام جواد و امام هادی علیه السلام نیز محسوب می‌شود، این احتمال وجود دارد که مکاتبه به‌جای حضرت عسکری علیه السلام با یکی از آن دو بزرگوار صورت گرفته باشد.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۲۵، باب من أوصی فی الحج بدون الکفایة.

و "ها" را در آن آشکار کن، چه کنیم؟

گفتم: «بگو: "وَاللَّهِ" و خداوند" و "ها" را رفع بده؛ زیرا در صورت عدم کسره دادن به "ها"، سوگند شمرده نمی‌شود.» آن دوست مؤمن رفت و پس از مدتی نزد من آمد و گفت: «همان مطالب را بر من عرضه داشتند و مرا قسم دادند، و همان طور که تو گفتی عمل کردم.»

امام حسن عسکری علیه السلام به او فرمود: «أَنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدَّالُّ عَلَى الْغَيْرِ كَفَّاعِلِهِ، لَقَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِصَاحِبِكَ بِتَقِيَّتِهِ بِعَدَدِ كُلِّ مَنْ اسْتَفْعَلَ التَّقِيَّةَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُؤَالِنَا وَ مُحِبِّينَا حَسَنَةً، وَ بِعَدَدِ مَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ مِنْهُمْ حَسَنَةً أَذْنَاهَا حَسَنَةٌ لَوْ قُوِبَ بِهَا ذُنُوبٌ مِائَةَ سَنَةٍ لَغْفِرَتْ، وَ لَكَ بِإِرْشَادِكَ إِيَّاهُ مِثْلُ مَا لَهُ؛ تَوْ

مشمول همان فرمایش رسول

پرسید: «من گرفتار مخالفان مذهب شیعه شده‌ام و آنان مرا در مسئله امامت، می‌آزمایند و قسم می‌دهند، جانم در خطر است، چه کنم تا از دستشان نجات یابم؟»

من به او گفتم: «مگر چه می‌گویند؟» گفت: «می‌گویند که آیا معتقدی فلانی پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امام است و من چاره‌ای جز گفتن آری ندارم و گر نه مرا به باد کتک می‌گیرند. من هم به ناچار گفتم: "نعم؛ آری" و قصدم گفتن "نعماً" از انعام بود که شامل شتر، گاو و گوسفند می‌شود؛ اما آنان اصرار می‌کنند و می‌گویند بگو: «وَاللَّهِ» به خدا سوگند.»

ای پسر رسول الله! من به آن شیعه مظلوم گفتم: «اگر گفتند بگو "وَاللَّهِ" تو بگو "ولسی"؛ از فلان کار صرف نظر کرد؛ زیرا آنان پی نخواهند برد و تو جان سالم به در بری.»

پس به من گفت: «اگر به صورت واضح از من خواستند بگویم "وَاللَّهِ"

۱. الإحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۰.

حَرَامٌ وَلَا يَحِلُّ اسْتِغْمَالُهُ؛^۱ [به طور کلی] هر چیزی که در اصل، حرام باشد خیری در آن نیست و استعمال آن هم حرام می‌باشد.

خرید در بستان زمین

محمد بن حسن صفار، ضمن مکاتبه‌ای از محضر امام چنین استفتا کرد: «مردی از فردی زمینی با مرزبندی دقیق و تشخیص حدود چهارگانه آن خریده است. در این زمین زراعت، درخت خرما و درختان دیگری وجود دارد؛ اما در قولنامه، چیزی در این باره نوشته نشده و ذکری از زراعت و درختان داخل زمین، به میان نیامده است؛ البته در متن قرار داد به طور کلی، قید شده است که خریدار آنجا را با تمام حقوق داخلی و خارجی خریداری کرد. آیا زراعت و درختان، داخل در حقوق آن زمین اند یا نه؟» امام پاسخ

خدا عز و جل هستی که فرمود: «راهنمای به خیر همچون انجام دهنده آن است.» خداوند برای رفیق تو به سبب تقیّه‌ای که کرد به شمار افرادی از شیعیان و موالیان و دوستداران ما که تقیّه را به کار بسته‌اند، حسنه عطا کرده و به تعداد افرادی که تقیّه را ترک گفته‌اند نیز حسنه نوشته است. کم‌ترین آن حسنه، آن است که اگر با گناهان صد سال رویه‌رو شود، همه آمرزیده شود، و برای تو به سبب این راهنمایی و ارشاد، همانند او حسنه خواهد بود.»

معاملات حرام

محمد بن حسن، طی نامه‌ای از محضر امام پرسید: «فردی با پولی که از راهزنان یا سارقان می‌گیرد وسیله‌ای یا خادمی می‌خرد. آیا جایز است از ثمرات و منافع اینها بهره‌برداری کند؟» امام در پاسخ نامه مرقوم فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ أَضَلُّهُ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۶، باب أنه لا یحل

ما یشتري بالمکاسب.

را مالک است. به خواست خداوند
[این گونه عمل خواهید کرد].»

نکته مهم

بدیهی است که این احادیث به
عنوان حکم شرعی مطلق نمی‌تواند
مورد ملاک عمل برای یک مسلمان
مکلف قرار بگیرد؛ زیرا مجتهدان
جامع شرایط باید این احادیث را
بررسی علمی کنند و در نهایت،
فتوای فقیه مجتهد برای مقلدش
حجت شرعی خواهد بود. البته این
سخنان نه تنها به عنوان رهنمود
اخلاقی و فقهی در اکثر مواد با احکام
شرعی و اعتقادات مسلم شیعی
سازگار است؛ بلکه برخی از آنها مبنا
و مستند فتاوای فقهای عظام قرار
می‌گیرد.

داد: «إِذَا ابْتِئَاعَ الْأَرْضِ بِحُدُودِهَا وَمَا أَغْلِقَ
عَلَيْهِ بَابُهَا فَلَهُ جَمِيعُ مَا فِيهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۱
هرگاه [مشتري]، زمین را با تمام
حدودش به طور دریست بخرد، همه
آنچه در آن قرار دارد مال خریدار
است؛ انشاءالله [این گونه عمل خواهید
کرد].»

خریدن یک طبقه

محمد بن حسن صفار، نامه‌ای به
امام عسکری علیه السلام نوشت و پرسید:
«مردی از یک ساختمان دو طبقه،
طبقه اول را با تمام خصوصیات و
حقوق آن خریداری کرد. آیا خریدار،
حقی در مرتبه فوقانی آن دارد یا نه؟»

امام علیه السلام مرقوم فرمودند: «لَيْسَ لَهُ
إِلَّا مَا اشْتَرَاهُ بِاسْمِهِ وَ مَوْضِعِهِ إِنْ شَاءَ
اللَّهِ؛^۲ او جز آنچه را به اسم و
خصوصیات آن خریده است مالک
نیست.» یعنی خریدار، فقط طبقه اول

۱. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۳۸، باب الفرر و
المجازفة.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۴۲، باب
إحياء الموات و الأرضين.